

1-His various works is an arduous, and may be reckoned in me a presumptuous task.

۱. کتابهایش بی نظیر است، و برای من شاید هم شاهکار باشد
۲. آثار متعدد اش بیشمار است، و ممکن است در من کاراز خود راضی حساب شود
۳. آثار مختلف او دشوار است، و ممکن است برای من کاری جسورانه به شمار آید
۴. کارهای متعدد شاهکار است و شاید برای من یک کار بی نظیر به حساب آید

2-As I acquired a facility in recollecting, and was very assiduous in recording.

۱. و در ضبط وقایع بسیار دقیق بود
۲. و در ضبط وقایع بسیار کوشان بود
۳. و در جمع آوری آنها بی دقت بود
۴. و در ضبط وقایع بسیار پذیرم

3-When I delineate him without reserve, I do what he himself recommended.

۱. هنگامی که اورا بدون احتیاط بیان می کنم
۲. و هنگامی بدون رزو اورا می پذیرم
۳. وقتی او را بی محابا توصیف می کنم
۴. وقتی اورا بدون اجازه می پذیرم

4-yet you wish he had less diffidence.

۱. با این وجود، تو آرزوی کردی که او آنقدر کمروخجالتی نبود
۲. با این حال شما آرزو می کنید که ای کاش کم تر متفاوت می بود
۳. با این حال شما آرزو می کنید که ای کاش کم روترازین بود
۴. با این وجود، شما می خواهید که او عدم اعتماد به نفس کمتر را داشت

5-He is ostentatiously sensible to her inferiority.

۱. او به طور فریبندی ای به نقطه ضعف هایش واقع است
۲. آشکارا نسبت به حقارت ش حساس است
۳. نسبت به ضعفهایش، بسیار متواضع و بسیار منطقی است
۴. او به طور قابل ملاحظه ای حساس و حیران است

6-At length I was dismissed from thee.

۱. در نهایت من اورا از دست دادم
۲. در کل از دست او خلاص شدم
۳. در طول من از او دلگیر شدم
۴. در کل از او راضی بودم

7-a fly in your ointment.

۱. حشره ای داخل روغن شما
۲. مواد داخل پماد شما به بیرون پرتاپ شود
۳. مگس مرده ای درون عطر شما
۴. مگسی داخل کرم شما

8-I walked for the most part in serenity and peace of mind.

1. در اکثر موارد برای آسایش و آرامش ذهن پیاده روی می کردم
2. برای بیشترین قسمت ذهن، یعنی صلح و صفا گام نهادم
3. من بیشتر از همه دنبال آسایش و آرامش جسم بودم
4. بیش از همه، به دنبال آسایش و تزکیه‌ی روان بودم

9-I would fly for comfort.

1. می بایست به آرامی پرواز می کرد
2. من می بایست برای آرامش پرواز کنم
3. من می بایست پرواز کنم برای آرامش
4. با آرامش پرواز می کرم

10-nor the hope of heaven could dispel it.

1. نه امید به بهشت و نه هیچ چیز دیگر نمی تواند جبران کند
2. حتی امید به بهشت هم نمی تواند اورا امیدوار کند
3. نه امیدواری به آسمان نمی تواند اورا امیدوار کند
4. امید به بهشت نمی تواند آن را بطرف کند

11-If ever despondency and asperity could be excused in any man, they might have been excused in Milton.

1. اگر هر فردی می توانست همیشه بدون عذری ناراحت و غمگین باشد
2. اگردر هر فردی تنگدلی و کوتاه نظری می توانست گناه به حساب آید
3. اگر همیشه حزن و خشونت انسان می تواند تبرئه شود
4. اگر در هر انسانی افسردگی و کوتاه فکری می توانست دستاویزی قرار گیرد

12-The roses and myrtles bloom unchilled on the verge of the avalanche.

1. در دامنه‌ی چمنزار
2. در نزدیکی بهار
3. در مسیر ریزش بهمن
4. در دامنه‌ی کوه

13-in old clothes and shabby old gaiters,

1. با جامه‌ی قدیمی و گیوه‌های پاره پوره
2. با جامه‌ی مندرس و روفرشی‌های فرسوده و نخ نما
3. لباسهای قدیمی، خاکی ورنگ و رو رفته
4. با لباسهای کهنه، خاکی با کت گران قیمت

14-They've whopped John Scroggins till he's well-nigh dead.

1. آنها آنقدر جان سکراگینز را گوشمالی دادند تا کم کم جان داد.
2. آنها آنقدر جان سکراگینز را عذاب دادند تا کم کم مرد.
3. آنها جان جان سکراگینز را از مرگ نجات دادند.
4. تا سرحد مرگ جان سکراگینز را کتک زدند.

15-Sir Pitt, seeing that he malefactors were in custody, drove on to the hall.

1. سرپیت با دیدن اینکه تبه کاران تحت تعقیب بودند.
2. سرپیت وقتی که دید عاملان جرم در بازداشت بودند.
3. سرپیت با دیدن عاملان جناحت به راهش ادامه داد.
4. سرپیت که دید جناحتکاران بازداشت شدند.

16-Born in the purple.

1. مرده بدنیا آمد.
2. فرزند ولد زنا بود.
3. نجیب زاده بود.
4. در نطفه خفه شد.

17-It was intended to imply reproach.

1. هدف افشاری حقیقت بود.
2. هدف اشاره به رسوایی بود.
3. انتظار می رفت که قصد سرزنش داشته باشد.
4. قصد داشت سرزنش و تحقیر را افشا کند.

18-a fixed wreath of white volcano smoke,

1. یک دود غلیظ سفیدی از دهانه‌ی آتشفسان.
2. دود سفید غلیظ ثابتی از آتشفسان.
3. حلقه‌ای ساکن از دود سفید آتشفسان.
4. حلقه‌ی ثابتی از دود آتشفسان خاموش.

19-but all dignity and honorableness.

1. بلکه فقط عزت و احترام است.
2. اما همه عزت بدون افتخار بود.
3. اما همه جلال و شکوه بود.
4. بلکه همه خفت و بی احترامی بود.

20-At what moment did our fiction lose this privilege?

1. از چه موقع ادبیات ما مزیتش را از دست داد؟
2. کی ادبیات داستانی ما این محبویت را از دست داد؟
3. در چه لحظه‌ای تخیلات ما بی ارزش شد؟
4. در چه لحظه ادبیات داستانی ما به از دست دادن این امتیاز عادت کرد؟

تعداد سوالات: تستی: ۲۵ تشریحی: ۷

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/ گد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۴۰

21-Great statesmen, in their beards and ruffs, dispatched affairs of state under the crimson awning of the Royal Pagoda.

1. سیاستمداران بزرگ ریشو و متکبر
2. دولتمردان بزرگ با دانه های تسبیح و جامه ای فاخرشان
3. رجال سیاسی با ریش و لبشهای یقه گرد چین دارشان
4. دولتمردان بزرگ با دانه های تسبیح و جامه ای بلندشان

22-It is an affectation to boast, as certain moralists do.

1. این عادت به تملق ، همان چیزی است که اخلاق گرایان مشخصی انجام می دهند
2. این یک عادت به خودستایی است که در بعضی رجال سیاسی مشهود است
3. این تظاهر به رجز خوانی است ، همان کاری که برخی اخلاق گرایان انجام می دهند
4. این هست یک اثری از خودستایی، چون برخی مرالستهای اخلاق گرا انجام می دهند

23-Perhaps it would bore him less than death was doing.

1. شاید آن کمی قابل تحمل ترا از مرگ بود که با آن درگیر بود
2. احتمالاً آن کمتر از مرگ او را آزار می داد
3. احتمال دارد متحمل دردو رنجی بدتر از مرگ می شدند
4. شاید مرگ کمتر از آنچیزی بود که آنها تحمل می کردند

24-find one another exasperating beyond endurance at every crisis.

1. دو نفر بعد از هر بحران و مشاجره سرانجام آشتی می کنند
2. در هر بحرانی دو نفر که حلوا پخش نمی کنند
3. هر بحرانی، با وجود صبر و بردباری زیاد به مشاجره منجر می شود
4. بعد از هر بحرانی دو نفر همدیگر را در ک می کنند

25-Outside the silence is broken only by the faint, crackling whisper of the winter frost.

1. در بیرون سکوت شکسته می شود فقط با پچ پچ آرام شکستن یخهای زمستان
2. سکوت در بیرون فقط با زمزمه ای به هم خوردن برفهای ضعیف زمستان شکسته می شود
3. بیرون سکوت شکسته می شود فقط به نجوای کمنگ شکستن یخهای زمستان
4. سکوت در فضای بیرون فقط با زمزمه ای به هم خوردن ضعیف یخهای زمستان شکسته می شود

سری سوال: یک



زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۴۰

تعداد سوالات: تستی: ۲۵ تشریحی: ۷

عنوان درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/ گد درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

سوالات تشریحی

- | | |
|---|-----------|
| 26- If the biographer writes from personal knowledge , and makes haste to gratify the public curiosity, there is danger lest his interest, | نمره ۱.۰۰ |
| 27- He possessed no power of thought, no depth of feeling ,no troublesome sensibilities; nothing, in short. | نمره ۱.۰۰ |
| 28- One brief sufficed to carry off the entire burden of these dismal reminiscences. | نمره ۱.۰۰ |
| 29- The fact is generally lost sight of by those who censure the Anglo-Saxon novel for its prudishness that is really not such a prude after all. | نمره ۱.۰۰ |
| 30- It ought to stop the mouths of those who complain that fiction is enslaved to propriety among us. | نمره ۱.۰۰ |
| 31- All the time they seemed to be skating on fathomless depth of air, so blue the ice had become. | نمره ۱.۰۰ |
| 32- Art and literature have been shamefully abused, have been perverted from their true purpose, if they do not conduce to it. | نمره ۱.۰۰ |